

قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

مصاحبه دکتر شاپور بختیار

عادی سازی روابط ایران و فرانسه

روزنامه "لومانت" در شماره مورخ ۱۱ دسامبر ۸۷، مصاحبه‌ای را که با دکتر شاپور بختیار، درباره عادی سازی روابط فرانسه با جمهوری اسلامی، بعمل آورده، درج کرده است. ما ترجمه کمی کوتاه شده آن را در زیر بنظر خوانندگان خود می‌رسانیم:

شاپور بختیار، آخرین نخست وزیر ایران در دوران شاه، میل ندارد در مورد اخلی فرانسه مذاخله کند، میگوید:

"من یک طرفدار حکومت قانون و عمیقاً سوسیال دمکرات هستم. من یکی از جوان ترین همکاران مصدق بودم، در سالن خانهاش عکس مصدق - که نخست ایران را ملی کرد در اوت ۱۹۵۳ بوسیله "سی.آی.ا." سرنگون شد - جلب نظر می‌کند.

او میگوید: "هیچ شکی نیست که خمینی یک موجود عجیب الاخلاقه است، و من مفتخرم که در آن دورانی که همه، از جمله فرانسوی ها، انگلیسی ها و امریکائی ها - علی‌رغم خفتی که بر آنها تحمیل شده بود - مفتون

و مجذوب و ایوبند، این واقعیت را صریحاً گفتم، با وجود این فکرمی کنم که عادی شدن روابط بین دو کشور، چنانچه بنا پذیر است."

بقیه در صفحه ۲
بهمن حخته

قلمانی به نام

جمهوری اسلامی

خمینی و جمهوری اسلامی او دشمنی دارند که زهمه نیرومندان جهان نیرومندتر است: مرگ، یا بیان زندگی خمینی، آغاز فروری جمهوری اسلامی اوست. کسی چون مهدی بازرگان، هنگامی که می‌گوید نظام جمهوری اسلامی قباکی است که برتن آیت الله خمینی دوخته اند، می‌دانند چه می‌گویند.

حتی خمینی نیز قباکی اسلام را جای پاره پاره کرده تا از آن قباکی به نام جمهوری اسلامی بسازد که برتن او را است آید، هر کس که بخواد آن را پس از مرگ خمینی بیوشد، فقط تا سازگاری قامت بقیه در صفحه ۹

بخت بیدار دموکراسی

ونگاهی بر کتابی

دولتمردان، سیاست‌پیشگان و تحویل‌گران یا دداست‌های خود را زیر و رو می‌کنند و به بحث و جدل می‌نشینند بلکه از بنیاد فرورم‌های پیشنهادی و "تفکر جدید" دبریکل حزب کمونیست شوروی بدرستی سردر آورند و ببینند اگر واقعیتی در میان است، دوامی خواهد داشت، و سعی خواهد کرد که تویا با توقف و ناگامی روبرو خواهد شد؟

تا شان آمریکا بی‌بیش بینی میکنند که اگر این کتاب حدصاب تا زهای در فروش نیابند، در ردیف "پرفروش‌ها" خواهند نشست. یک مورخ آمریکائی به زما مداران کشورش توصیه می‌کند:

(با همه تردیدها می‌کند در میان است، نایسته است - با قبول این "فرض" و "احتمال" که برنا می‌گوربا چف بی‌نصیب از توفیق نخواهد شد - از خود سؤال کنید، آیا دیپلماتی سی ایالات متحده برای مواجه با یک شوروی "مطبوع" ۳ ما دگی

بقیه در صفحه ۲

درد ۲)

کتاب میخائیل گوربا چف (پرسترویکا = با زسازی) در سرا سردنیا با توجه بی‌مانندی روبروست. و ایننگتن بست، در مقاله‌ای ضمن تشریحی بر آن و با استفاده از گزارش خبرنگاران خود در شرق و غرب، می‌نویسد: در این عکی نیست که گوربا چف توجه جهان را ازین تا بوشنوس آپرس - از قاهره تا توکیو به سوی خود برانگیخته است.

سجدرضوانی

طرح خود اشتغالی!

رژیم آیت الله بعد از مطالعات طولانی بدین نتیجه رسیده است که مشکل بیکاری را با ایجاد طرح "خود اشتغالی" چاره کرد.

در ایران سالی نیم میلیون داوطلب جدید به بازار کار روی می‌آورد و این در حالی است که برای کار وجود ندارد. به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی، در بخش صنعتی و بازرگانی کاری نیست تا به کسی بدهند و در بخش اداری، جایی برای استخدام جدیدی نمی‌ماند است. در دوره قبل از انقلاب هم بران از تورم بخش اداری رنج می‌برد و سازمان اداری، بقیه در صفحه ۱۰

حیثی سکان

نقصان آیت الله

در روزنامه‌های عصر تهران خبری منتشر شده است بدین مضمون که طبق فتوای حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی، اراضی روستای "خاوه" از توابع بخش "کتهک" در منطقه جنوب شرقی شهرستان قم از تملک خرده مالکان خارج شد و بصورت موقوفه درآمد.

روزنامه‌های عصر تهران در توضیح این خبر مینویسند: روستای "خاوه" از نقاط بیلابی خوش آب و هوای اطراف قم است و سیب درختی و گیلاس آن مرغوبیت دارد.

بقیه در صفحه ۱۲

فریدون رختا

شگونی‌های ارباب صنعت

این بگومگوی آقای "آواره" محضوظ - الامفاء"، با مخالفین و موافقین در قیام ایران، خوانندگی است، آدم خیالی چیزهای تازه یاد می‌گیرد و بیاد چیزهای فرا موش شده می‌افتد.

کاش آن آقای که ابیاتی از شاه عریان نوپردان، از جمله مدحیه شاه عریان، نعمت میرزا زاده، را به رخ آقای آواره کشیده بودند، همه قصیده را نقل می‌کردند. زیرا اینطور که بیدار است به دو وین نوپردان دسترس دارند، بنده یک زمانی، خیلی از ابیاتی آن را به یاد داشتم، اما امروز، عیرا زده سه بیستی که اینان آورده بودند، دوبیت دیگر را به خاطر می‌آورم، که شاه در وصف ما می‌فرماید:

شوان قلای برتر از مرز پرواز به سوی تو بیبوده مرغان پریده نهد در عرصه همت مرغکان است چکادی که سیمرغ ما واگزیده

بقیه در صفحه ۴

توقه بهایی نفت

شبات بربرکت قیمت های نفت را با پس بدو دگفت. سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) پس از ۶ روز تردید و اختلاف حاصل بیکسال موفقیت را از بین برد. ۱۳ وزیر نفت که از ۹ تا ۱۳ دسامبر در وین گرد آمدند فقط توانستند از متلاشی شدن اوپک جلوگیری کنند. قرارداد دی که ۱۲ کشور از ۱۳ کشور عضو، آن را امضا کردند برخلاف قرارداد سال گذشته که در نیست بهای ۱۸ دلار برای هر بشکه نفت را حفظ کند و این تا زه کمترین چیزی است که میتوان در باره این قرارداد گفت. اوپک از همپا شیده تروضعیف نرا همیشه دو سال به عقب با رگشته است، با این تفاوت که دیگر از حمایت عربستان سبودی برخوردار نیست.

بقیه در صفحه ۱۰

سخت‌خنی در باره حافظ

در صفحه ۶

بقیه از صفحه ۱

"تفکری نو برای کشور ما (شوروی) و جهان این ضمیمه ای است بر عنوان کتاب کسه، با وجودا بها مات جدی و مشکلاتی کسه علی رغم توضیحات نویسنده همچنان در فهم انقلاب "دموکراسی" بر تنظیم بسته شوروی باقی میماند، تعبیر ناروائی نیست.

نکته شنیدنی این است که نه فقط "برداشت ها" و روح انتقادی کتاب، بلکه حتی روند تحریر و نشر آن نیز در تمام ۷۰ ساله که از عمر حکومت شوروی میگذرد، بی سابقه است.

سفر کتاب از دونا تر معضرا آمریکا (گرنیلا و مایکل پی) است که کوتاه زمانی پس از زوری کار آمدن گورباچف از وی خواستند، کتابی بنویسد و جالب توجه است که ضمن سفرش یادآوری کرده اند که "منظور آنها نه یک کتاب تبلیغی و یا مجموعه ای از مقالات و خطابه های حزبی بلکه یک "کتاب واقعی" متضمن افکار و عقاید برداشتهای خود است. و گورباچف هم سفرش وهم توصیه رایی چک و چانه می پذیرد و دست بکار میشود و حاصل کار را در وقت معهود تحویل میدهد.

این طور که پیداست، گورباچف در تمام آن چند هفته ای که از نظرها پنهان بود و با این غیبت نسبتا " طولانی شایعه ای افول و قوت می گرفت، عمدتا "وقت خود را در آخرین تصحیح و تحقیق رساله اش صرف کرده است. به عقیده بسیاری از اهلی نظر همین تعقیب شتاب آمیز، نشاندهی آن است که "دبیرکل" به خصوص در کشاکش مسائل مربوط به "تقلیل تسلیحات و حقوق بشر" به نشر هر چه سریع تر و وسیع تر کتاب در سطح جهانی سخت وسواس و اصرار داشته است.

اجمالا " پرسترویکا " در حد قابل توجه و خصوصا " در قیاس با مجموعه ای ادبیات مارکسیستی پس از نین خواندنی و معتبر است. به گفته "جان لوکیژکا دبیر" مورخ و استاد دانشگاه ها و ها یو:

" فرصت مهمی به آمریکا تیان میدهد تا ببیند بشنود که اتحاد جماهیر شوروی کنونی، چه اندازه از عصر استالینی فاصله گرفته است.

(پرسترویکا = با زبانی بی گفتگو هم از لحاظ استدلال و هم از نظر پرده دری و صراحت در نقد، با توجه به اینکه حاصل قلم یکی از رهبران درجه اول شوروی است، کم نظیری و حتی بی نظیر است و در زمینه های، بر نقد خروش و شف بیویزه از آن جهت که عملکرد بسیاری از رهبران پس از استالین را نیز زیر سؤال قرار میدهد، پهلومی زند.

گورباچف با بی نداد که از رهبران سلف خود با صفاتی گاه به تمام معنا ناسزا یا دکنند:

"چهره های بی روح و سنگی" - آنها کسه فراوان از "شکوه و جلال بی مایه و آب و تاب تو خالی و شعارهای محض و تابلوهای بی دلیل" برخوردار بوده اند.

ضمن شرحی از فضای جوامع " جوان شوروی که بصورت یک نظام نیرومند و "قیاس نا پذیر" بر جای امپراتوری

بخت بیدار دموکراسی

و نگاهی بر کتابی

مخدر، حنا بخت روبرو شد گذاشت، در باره ای از سطوح اداری، بی اعتنائی به مقررات و قوانین، ارسا، نظام و تملق تشویق شد...

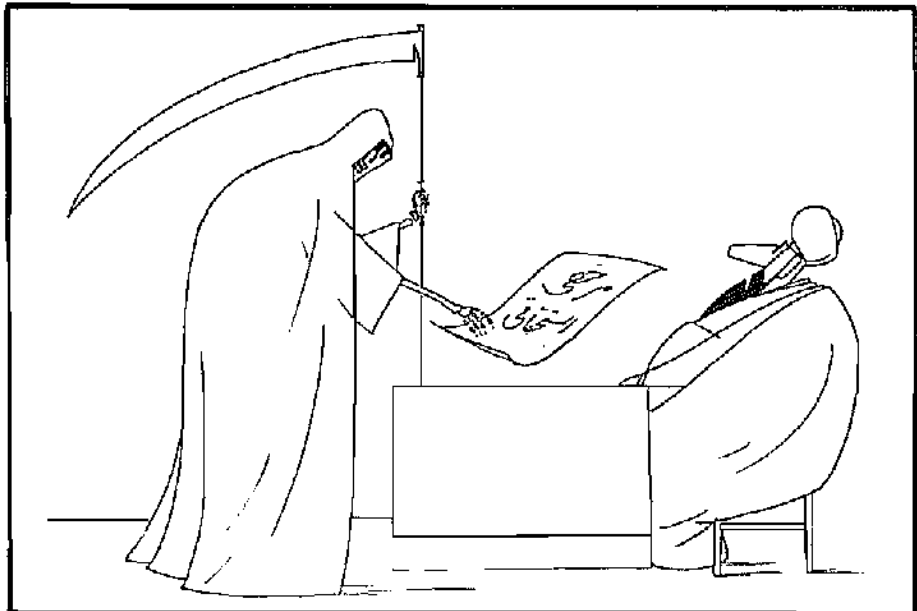
بدینگونه در انتقال از کمبودها و کج رویها و مواضع " نظام " تا آن جا پیش میرود که به صراحت می توان گفت هیچ یک از گرملین نشینان ما قبل به گردا هوش هم نمی رسند.

با زبانی تازه به همان سالهای ۷۰ میگوید: "ما فکرمی کردیم این ما هستیم که بر زمین نشسته ایم..."

و در دنیا له بحث نتیجه می گیرد: "...در حالیکه اوضاع و احوال مصادق کلام نین بوده که وقتی می گفت: اتوموبیل

نیمه فئودالی و نیمه مستعمراتی روسیه نشسته است با اشاره به سالهای آخر دهه ۷۰ توضیح میدهد که قطعا "اتفاقی با بدروی داده ها سکه جنبش و حرکت را از کشور سلب کرده است" و در دنیا لسی آن چنان تصویر سیاهی از مسائل و مشکلات بدست میدهد که در وهله اول خواننده با تردید از خود سؤال می کند: آیا این رهبران اتحاد شوروی است که قلم بدست گرفته است؟ اومی نویسد:

" کشوری که به شتاب خود را به دلیل پیشرفتهی جهان نزدیک می کرد، بصورت بی دربی مواضع خود را از کف داد، فاصله میان کارائی و تولید - کیفیت - فرآورده ها، گسترش علمی و تکنولوژیک ...



به سوشی نمی رود که را ننده گمان برده است...

این نکته گفتنی است که استنادات مکرر گورباچف به نین، پیداست که نه از سر اتفاق و یا رعایت "حرمت پایداری" او در رژیم " بلکه دقیقا " نشاندهی اشتیاق و اعتقاد خاص وی به پایداری گذار حکومت شوروی است و همین خود از آن زمینه های پرا به می است که طبعا " به طرح این سؤال منجر میشود:

او چگونه میخواهد نظریات لنینیستی را با (گلاسنوست = فضای باز) خود آشتی دهد؟ - چرا که لنین آنقدرها که او بر " فضای باز " تا اکید میکند به آن را ادتی نداشت. گورباچف در این " رساله " سعی دارد بر نامه ی خود را بنوعی "با زکشت به اصول لنینیستی" و در عین حال بسط این "اصول" در تطابق با حال و هوای کنونی تبلیغ و توجیه کند.

میگوید لنین برای این باور بود که تحولات جامعه را "یک انقلاب" کفایت نمی کند و بر اساس آن تلویحا "نتیجه میگیرد: پرسترویکا" او همان انقلاب دوم روسیه است که هدف غائی آن قوت بخشیدن به سوسیالیسم از طریق پیوند با "دموکراسی" است.

اعتقاد است که: " اگر روند دموکراسی در کشور ما بصورت طبیعی صورت می گرفت، بما توانائی می-

وسعت گرفت - وضع مسخره ای پیش آمد: اتحاد شوروی، بزرگترین مولد فولاد، مواد اولیه، مواد سوختی و انرژی را با نقصان روبرو شد - کشوری که یکی از بزرگترین تولیدکنندگان کرم و حبوب محسوب بود، حالا با پدیده سال میلیون ها تن وارد کند، تعداد دیزلگان و تخت های بیمارستانی فراوان است، اما در عین حال کمبودهای خدمات بهداشتی و درمانی خیره کننده است.

راکت های فضا پیمای ما با دقت شکفت - انگیزی در ستاره ی زمره می نشینند اما این موفقیت های علمی و تکنولوژیک در ارتباط با مصرف زندگی و احتیاجات روزمره کارائی نشان نمی دهند... متاسفانه مشکلات به همین جا ختم نمی شوند، بتدریج کاستی های در ارزش های اخلاقی و ایدئولوژیک ظاهر شده است. تبلیغات - حالا واقعی یا تخیلی - دست بالا را گرفته است - مداحی و فرومایگی زمینه ها فته است، نیا زها و عقاید توده به هیچ گرفته میشود - فاصله میان قول و فعل که مایه بی تفاوتی و ناپاوری توده نسبت به شعارها میگرد، روزانروز است. هر آنچه در پشت میز خطابه ها و روزنامه ها و کتابها اعلام میشود، زیر علامت سؤال میرود. از همان سالها انحطاط اخلاقی نیز سرگرفت: الکلیسم، اعتیاد به مواد

داد تا از بسیاری مشکلات اجتناب کنیم... ما این درس را از تاریخ خود آموخته ایم و هرگز فراموش نخواهیم کرد.

بخش دیگری از کتاب به تجزیه و تحلیل مسائل بین المللی و از آن جمله نقش نیروی هسته ای و رابطه آن با مسئله "تبرید طبقه ای" و "همزیستی سالمت آمیز" و خصوصا " به تصریح در این مطلب تعلق گرفته است که " با پیدایش دورا جدا از یکدیگر قرار داد " و می دانیم این نکته ای است که با طبع برزنف نبود و نیز می دانیم، "تبرید طبقه ای" از دیدگاه - مارکسیسم محتوای اصلی "تاریخ شناخته شده است.

گورباچف در پی این نظر، به این برداشت "قطعی" میرسد که "امنیت" با پدید آمدن همه جا نیه تبدیل شود زیرا یک ملت به - تنها شی قادر نیست که خود را زمدتسی از "امنیت" برخوردار یا شود دیگران در "نا امنی" بسر برند و سرانجام به طرح این "تز" بدیع می پردازد که: "در چهار دیوار یک مسابقه ای طرح آمیز که طبعا " ناگزیرا همکاری و تعاون است " این تاریخ و نه "تبرید طبقه ای" است که برنده را منحص میکند.

اینجا ما ت و مسائل قابل بحث و پهرش، در این بخش از کتاب نیز فراوان است و اما قدام تقریظ نیست بلکه عمدتا "توجه به رویش جوانه های از پندارها شی است که بنا بر جبر زندگی و طلب زمان حتی جا معی بسته ای نظیر جامعه شوروی را نیز رفته رفته می پوشا نند.

مسئله ای اساسی این است که سوا ای دلخواه ختگان "کشور شوروا ها" که عاشقانه چشم به راه طلب معشوق نشسته اند و "فحش را هم از دهان او" طیبات " می دانند و استالین را یک روز بنا بر ندای معشوق "کاروان سالاران ها" و فرمای آن روز به گردش حال محبوب "دژخیم بی بدیل تاریخ" می یابند و نیز سوا ی مرددین که علی رغم انبوه شا هدها همچنان در پیج و خم وادی حیرت سرگردانند آری گذشته ز حال و قسالت این دو گروه - نمی توان انکار کرد که حوادث کنونی شوروی حتی دشمنان متعصب و سخت باور کمونیسم را دست کم به قبول این فکرسوق داده است که:

" چیزی که در کار است، که: جامعه شوروی! گرنه امروز و فردا، ولی روزی خواه نا خواه بر تحولاتی گردن خواهد نهاد و چه بسا هم امروز نیز بتوان از نشانه های بار داری در این جامعه سراغ گرفت.

مسئله " در شرایط کنونی قضاوت دقیق در باره ی چگونگی این تحولات نامقدور است، آقائی گورباچف هم می خواهد و با اصول " نمی تواند توضیح دهد که گره اساسی را چگونه می توان گشود - بسر "دمکراسی" و "فضای باز" امری را در دلی وقت بی مسائل مهمی نظیر "حقوق بشر و پاسورالیسم" یعنی الزامات شکل گیری یک نظام دموکراتیک واقعی به میسان می آید، آشکارا انگ می زند و از زیست تحلیل افشاع کننده های می ماند و همچنان " حقوق بشر " و "نظام تک حزبی "

بخت بیدار دموکراسی و نگاهی بر کتابی

بقیه از صفحه ۲

را با معیارهای کهنه‌ی گذشتگان خسود عیار میزند، چنانکه در معیارها خیرنگار شبکه‌ی تلویزیونی آن بی‌بی‌سی، از حرفهای بسیار گفته‌ی و بسیار شنیده‌ی در این زمینه فرا تر نمی رود:

در جامعه‌ی مانیای به تبعیت از احزاب نیست. در نظام ما هر کس از حق کسار برخوردار است. بیکاری مفهوم ندارد. به هر فرد شوری میزان کالری مورد نیاز بدن انسان ارائه می شود. آموزش اجباری و بهداشت رایگان است...

و اینها را به پای حرمت به حقوق بشر می نویسد و گردنقاط اصلی مسئله بدان گونه که اندیشمندی یوگسلاوی "میلان جیلان" قریب سه دهه‌ی قبل، در کتاب "برارزش خود" طبقه جدید" در باب واقعیات زندگی و حکومت و قدرت و اقتما در جامعه شوری با لحن و در جوامع کمونیستی با لحن مطرح ساخت، مطلقاً نمی جرخد.

جیلان خود وقتی یک کمونیست مؤمن بود. در سال ۱۹۳۷ در کار تجمیدها زمان حزب کمونیست یوگسلاوی دوش تیتو می رانند. در سال ۱۹۳۸ به عضویت کمیته مرکزی و بعد عضویت دفتر سیاسی حزب در آمد و در جنگ های نازیستیزی چون یک قهرمان درخشید.

جیلان در جامعه‌ی تعصبات اعتقادی تا آنجا رفت که وقتی با آن گروه زهموطنان خود که هواخواه رهبری کمونیست هان بودند بی رحمانه در افتاد و کشتیری از آنها را به آتش بست. مجموعاً "جیلان عنعن" مطلبی بود و از آنچه در جوامع کمونیستی می گذشت، در دقایق امر آگاه می شد. مدتها با مقامات شوری در دوره‌ی استالین روابط صمیمانه داشت و اصولاً از جمله شکورسین های دست اول جنبش بین المللی کمونیستی محسوب میشد و بقول او بود که در سال ۱۹۴۷ تا بنس کمینفرم رایه مولوتف بینشیا دکرد.

این یادها از آن روست که توجه به هم که اگر در کنار شراقاتی کوربا چاک کتاب "جیلان" طبقه جدید" یاد می کنیم، بیراهه نرفته ایم، خاصه از این جهت که جیلان نیز چون کوربا چاک نقطه‌ی درد و ناتوانی های سیستم شوری و کشور خود یوگسلاوی را با زشناخته بود، با این اختلاف اصولی که آقای کوربا چاک مشکل رانه در بنیاد نظام، بلکه "در دیده‌ها و روش ها" جسته و جیلان کجی بنا را از همان خشت اول می دیده است. به عقیده‌ی جیلان یکی از ریشه‌های ستبر درد، در جامعه شوری و تمام می جوامع کمونیستی، اسرار بر "وحدت ایدئولوژیک" است، میگوید:

این امر (وحدت ایدئولوژیک) نیز مانند همه‌ی پدیده‌های دیگر کمونیسم بتدریج رده می یابد و در جنگ قدرت به حد اعلای خود می رسد و از این روستا دنیایی نبود که وقتی استالین قدرت رسید "منا" و برای اولین بار از ترسکی خواسته شد که از تمام اندیشه‌های خویش جـ

اندیشه‌های که توسط حزب ارائه شده است باید صدم ببود.

از دیدگاه جیلان در چنین جامعه‌ی "پیشرفت های" اقتصادی نیز پایه و مبنای رشد نظام نیست بلکه "جلاسوه و بازتابی ست در زمینه‌ی حرکت از دیکتاتوری انقلابی به سوی استبداد ارتجاعی، و سرسرایین حرکت مؤیدایین نکته است که چگونگی مداخله‌ی دولت در امور اقتصادی - که در مرحله‌ی اول شوری است - رفته رفته به وسیله‌ی برای ارائه منافع شخصی بوروکراتهای حاکم" طبقه جدید" تبدیل می شود.

و اما جیلان اگر بر مداخله‌ی دولت در امور اقتصادی بدینگونه می تا زنده آن معنا نیست که با اقتما دم در صد از دولت قدرت انحطاط و سلاطین سرمایه موافق است. بعکس او یک سوسیال دمکرات واقعی ست و به همین دلیل در پایان کتاب خود ضمن انتقاد از رهبران وقت شوری و یوگسلاوی، بنحوضی این با و ر خود را منعکس می کند:

معیار رهبری شوری در برخورد با سوسیال دموکراسی درست همان معیاری است که هنگام تعیین سروس سوسیال دمکراتها در کشور خویش از آن استفاده کرد. رهبری شوری مفهوم سوسیال دموکراسی را در دنیا نداشت و هرگز هم در نخواهد یافت.

اما کوربا چاک که پیدا ست لنگی های اقتصادی و خطرات آن را بدرستی درک می کند و حتی به این نظر نیز می رسد که "اگر حرکت دموکراسی در کشور (ا) و بنیاد بود، امروز مشکلاتی در کار نبود" بخلاف جیلان که در دراز ساس می بیند بر آن است (و با ظاهرا "بر آن است) که هم بنیاد نظام را حفظ کند و هم گره را بگشاید و همین جا ست که تردیدها ظاهر می شود. البته اگر در دیدنی مطلق غرق شویم و بخلاف کسانی که معتقدند این هم با نگی است و بس - دست کم تا ملی را جایز بدانیم، قطعاً "خواهیم پذیرفت که در اتحاد شوری (حالا و کوربا چاک

بماند و نخواهد بود) اگر علت اساسی درد ناشناخته مانده، نفس درده احساس جا شده و حتی بخش قابل ملاحظه‌ای از دستگا رهبری کشیده شده است، به عبارت دیگر دیده اند که دارند ما بقه را به حریف می بازند بی برده اند که محدودیت های انسانی مملکت را علیل کرده است. فهمیده اند که در این راه یکسوی از شگفتگی های حیرت انگیز قرن بیستم محروم شده اند. دانسته اند، انسان های که موظفند در یک خط برانند. به یک ذوق بگروند. به یک نگاه عادت کنند، از خلاقیت بازمی مانند.

ظهور چنین "جریانی" در اتحاد شوری پس از هفتاد سال تجربه حتی اگر با ردیگر بسا سرکوب مواجه شود، به نشانی شاهد ظهور "امالت دموکراسی" و حاجت بی چون و چرای بشر امروزه این ودیعه "طبیعی

مصاحبه دکتر شاپور بختیار

عادی سازی روابط ایران و فرانسه

بقیه از صفحه ۱

زوشبه ۱۹۸۱ به جان او سو قصد کرد و دو کشته و یک پلیس املیج بر جای گذاشت (در این مورد می افزاید:

" من یک سال و نیم قبل، خیلی بیس از فرانسوا میتران، گفتم که نمی توان یک گروه بیگانه را با یک قاتل معاوضه کرد.

من بعنوان مدعی خصوصی در این قضیه، اعتراضی ندارم که او را آزاد کنند. شخصاً "نقاش را به فراموشی سپرده ام.

ولی این شخص با سر خمینی در ارتباط بوده است و آزاد کردن او یک سمبل خواهد بود. از اینجا های هوئی را که این امر بین

سیعیا ن لبنان و سایر جاها بیجا خواهد کرد، می شنوم. آزاد کردن او به ناخوشی کسی رژیم ملایان و تروریست ها را تقویت خواهد کرد.

بختیار با آوری می کند که آخرین سرمقاله، روزنامه‌ها برای اطلاعات که عادی سازی روابط را مورد انتقاد قرار داده است، یک شبه چنانزه، سانسور است و می افزاید:

" هرگونه امتیاز، هرگونه معامله، هر گونه سازی با این گروه و اسکرا و متعصب به ناکامی می انجامد.

و عقیده دارم که تقاضای رژیم شیران د اثر سر عقب نسبی ناوگان های خارجی از خلیج فارس توقع خطرناکی است. در این مورد می گوید:

" اگر غربی ها اکنون، با این سروصدا می که در اطراف حضور آنها در خلیج فارس ایجاد شده، آنها را ترک کنند، در مسدود سازی روزه تمام کشورهای منطقه آغاز تزلزل را احساس خواهند کرد."

(دموکراسی عربی چیزی جز یک تحفه‌ی شیطان نیست) مذبحا نه تقلاد رندتسا خود را جامع خردوما حب کلیدی کده هدی از مشکلات می خورد، قلمدا دکنند و اگر منشان نکنی، آماده اند فورمول نکستن اتمونقشده بیجیده ترین کامپیوترها و نسخه سفره فضا و هوانجا را بین دست راهم در زمره ای افانقات شیخ صدوق و کلینی و ملا محمد باقر مجلسی بنشاند و جالسب توجه است که این هر دو گروه (متجدد و متشرع) در اساس نظر از مراجع مشخص

شاهد می گیرند و به کج روی های پراپیچ در غرب: فساد، تظا ده، بودرما ههای اخیر حوادث ایران گیت ویا ما جرای مبادلات بینانی فرانسوی ها با آخوندها - هر کدام بسیا قی خود استناد می کنند و آنقدر هم در دنیای کور خود فرورفتند اند که قادر نیستند به آن روی سکه نیزنگاه می بینند از نشتا

بینند در این جوامع "منحط" و "سیاست باز" اگر این جاکج روی جاری ست آنجا نیز چشم و گوش های درکارند که از رسوب رازها در پس پرده ها مانع میشوند. البته هر گروه دوم حرجی نیست که قرن ها ست از سفره ای اوها موخرافات خورده و پیرا رنده اند، قصه ای ایمن "متجددین" شنیدنی است که خود را لیا

بسیار غرب رقصیده اند و حالا لکه صحنه‌ی بقیه در صفحه ۱۱

بختیار با یاد آوری روند عادی سازی که در دوران حکومت سوسیالیست ها آغاز شده بود، بر این نکته تاکید میکند که این امر به حرکت شمیمت فوق العاده فرانسوا میتران صورت گرفت که با ظرافت و با توجه به حفظ حسنیست فرانسه اقدام کرد.

سپس می افزاید: " با ایدوا قع بین بود، ولی تحسین و تحدی از این نوع رژیمها و دنیا لهروی بسا سر خم کردن در سرا بر موجوداتی نظیر سر خمینی، بیبونه، یا جاکسونکو برای من قابل قبول نیست."

به عقیده بختیار، امروز بیسن آزادی گروگان ها و امتیازات داده شده از طرف دولت فرانسه در جا روجوب مذاکرات، را بطلد، غیر قابل انکاری وجود دارد. میگوید:

" سنظر من، هیچگاه نباید آدکنان معا مله کرد، زیرا انتهای آنها مرتباً زیبا دتر می شود و از امتیازها متبسا ز، قسمت را با لای برند. این نهایتاً ربا کاری است که بعضی کشورهای غربی از ملایان مبانر و سخن میگویند و کمال بلاهت است که کسی بخوا هدیا خمینی معامه کند. زیرا نتیجه جزا کابی چیزی نخواهد بود.

در باره دستورات تهران، و اخراج مجاهدین - که بدجسم و "خائن" و متفق عراق هستند و به گشتار ارتشیا ن ایران دست می زنند - اخراج آن ها را خلاف حقوق بنا هندی و حقوق بشر می دانم و میگویم: از جمله توتیعات تهران آزادی "نقاش" است (انیس نقاش رئیس گروه کماندویی که در

ژانسی" است. مبلغان کمونیسم که با هلهله تلاش می کردند تا ریشه های خلعت "ا بر قدرتی" شوری را به "نظام شوری" گره بزنند، سزا و راست گداز عقلای همین کشور بشوند که در همین عالم (ا بر قدرتی) نیز دارند عقب می مانند و اتفاقاً "عقب مانگی از کاستی های همین نظام است.

و ما رویش این افکار در اتحاد شوری در ارتباط با کل جهان بمنزله ای مدائسی است که از بخت بیروز دموکراسی خبر می دهد. پاسداران استبداد و اختناق در جهان سوم و مخصوصاً "در کشور ما - خواه از گونه "تجدد طلب و چگمه دار" و خواه از قماش "خرافه پرست و عماد دار" - هر گروه به حسب حال خود کونیده اند و می کوشند تا به نحوی دموکراسی را تخطئه کنند:

- دسته اول گاه با بیانه‌ی (عدم آمادگی و بلوغ ملت) و گاه با مسخرگی که:

ای آقا! مگر نمی بینید در همین کشورها با صلاح دمکراتیک هم، چطور مردم را با زی می دهند؟ نمی بینید که یک مشیت سوارند و یک دنیا بیاده؟ نمی بینید که چطور گنجشک را رنگ می کنند و بجای قناری می فروشند؟

- دسته دوم متکی به " دیوانت آخر الزمان " و قصه های از این قبیل که

شگردهای ارباب صنعت

بقیه از صفحه ۱

خدا رحمت کند دکتر میرعلینقی خان شیبانی را، که وقتی متوجه شدند ناسازی را توی دهن مشتری میگذاشت، شروع به بحث سیاسی و اجتماعی می‌کرد و زخم‌های مورد علاقه‌اش، مسئله تعارف و تملق بود:

آقا، مشخصه نژاد ایرانی عشق بی‌شمار تملق گوئی و تملق شنوی است. از دوران هوشتره و کوروش و داریوش تا امروز که حکومت آقای خمینی، مثلاً، منتخبات مستضعفین است این عارضه تملق با بیای مردم ایران آمده است...

دکتر، آنها را از کجا خبر داری؟
به حدس و قریبینه. ببین چقدر به پادشاهان هخامنشی تملق عرض کرده اند که حتی خودشان ناچار شده اند به خودشان تملق بگویند که از سایرین عقب نمانند. مگر نمی بینید این کنیه‌های باستان‌نویسان:

منمدا ریوش شاه، شاهانها، ناپینه، دوران ۴۰۰۰؟ از آنجا بگیر و بیا جلو، تا ظهیرنا ریایی که کورسی فلک را زیر پای اندیشه می‌گذاشت تا بوسه بر کباب قزل ارسال زند و بعدنا بررسی به مرحوم نویخت، که درنا هتا ماش، شبها رضا شاه را بسه

سایانسان رسا نده بود، و جالافخرالدین حجازی است که آیت الله خمینی را اول امام کرده بعد پینمبر، بعد پینمبر اولوالعزم و تقریباً "به یک وجبی مرحله" خدائی رسا نده است، اسم این سماجت در

تداوم را چی می‌گذارد؟... حالا پادشاه یک تخت و تاجی و صاحب و درباری و اسب و علیقی دارد، اما آخوندی که در تولد و ختنه سوران و عروسی و عزای توده مردم شرکت داشته و آتش و خلوائی نسداری

ارتزاق کرده، چطور بر نمی‌گردد به این تملق بی‌حیا بگوید: مرده که ایمن مزخرفات "زینتونه" مبارکه "چیه کنه سرهم میکنی؟" و این همان آخوندی است که پای کاغذها پیش "لاحقر" و "عبدضیف" و "قل عباد" امضا میکرد...

دکتر میرعلینقی خان با اینکه عقیده داشت این یک مشخصه نژادی است ولی ضمناً معتقد بود که با یک برنا مه هفت ساله مبارزه با تملق، بر اساس تعلیم و تربیت تملق گوئی و تملق شنوی، همیشه مردم را از این عارضه که نظام مملکت را برهم میزند نجات داد.

با دکتر خدا بیامرز، که از تملق دل‌پسرو خوبی داشت، بحث آسان نبود. چگونگی تئوری‌ها پیش از او وقتی عنوان می‌کرد که متفادان ناسازی اش در دهن شونده بود و وقتی کارش تمام میشد، دنیا له‌صحت را، به عذر حضور مریخ بعدی در اطاق انتظار، به بعد موکول می‌کرد.

ولی هر جور بود، بین دو هجوم متوجه چند کلمه‌ای جا میکردیم:
آقای دکتر، در رابطه تملق و نظام مملکت حرفی نیست، اما نه اینکه چگونگی تملق وجود دارد نظام مملکت برهم می‌خورد، بلکه چون نظام مملکت برهم خورده تملق وجود دارد، شما فکر نمی‌کنید اگر مثلاً به آقای ریچارد نیکسون (رئیس‌جمهوری سابق آمریکا) که مختصر بیاناتی می‌زند،

یکی از رجال آمریکا می‌گفت: شما از رویبشنستانین بهتر بیایا نومی‌زنید، بدش می‌آمد؟ یا اگر امروز به خاتم‌مگارت تا چر یکی بگوید شما از بریزیت بار دو خوشگل ترو هوس انگیز تر هستید، خوشش نمی‌آید؟ پس چرا نگفتند و نمی‌گویند؟

برای اینکه غیر از یک "تن کیوی" خنگ و خالی صله‌ای نمی‌گیرند، یعنی آنها نمی‌شوانند بیش از این صله‌ای به تملق بدهند. مملکتشان حساب و کتاب و نظامی دارد و قانون، رابطه و باطنه ترقی و کسب مال و منال را معین کرده است، در نتیجه اگر حکومت قانون برقرار شود، رسم تملق هم خود بخود دور می‌افتد.

بگذریم، موقعیتی بود که یادی از دکتر دلسوخته بکنیم، اما آن روان‌شناختی، با تمام توجهی که به این مسئله داشت، از یک نکته اساسی غافل بود و آن انقلاب عظیمی بود که از آغاز سالهای ۴۰ در مملکت ما، در اساس و بنیاد تملق حادث شده است.

تعارف و تملق در تمام اشکالش - از اول تاریخ تا دوران ماسه‌خصوصیات مسا بهی را حفظ کرده بود: رابطه بین دو نفر بود: یا - شاه اروپا دشا - شاه عرب و وزیر و یا دشا - خلامه را بطریق زیر دست و بالا دست بود، و نتیجه آن این بود که صله‌ها

امتیاز زینت‌شونده به گوینده می‌رسید، از آغاز سالهای چهل، تملق به صورت یک "صناعت" مدرن با خصوصیات بکلی تازه ای در آمد و شیوه جدیدی جای شیوه چند هزار ساله را گرفت.

مشخصه انقلابی شیوه جدید این بود که تملق، بجای جریان مستقیم زگوینده به شونده، بصورت یک پیشنه در عرض تملق دسته‌جمعی، در سطح ماسی، در می‌آمد. یعنی کار تملق تقدیم یک پیشنه بود و جای اجباری تملق، به عهده قاطبه مردم گذاشته می‌شد، در نتیجه بجای اینکه صله و یادش طبق رسم چند هزار ساله، از جیب شونده به گوینده بپرد، از جیب ملت به مبتکر پیشنه و تملق میرفت، به این ترتیب مردمی که ملزم به عرض تملق می‌شدند، ناچار بودند مخارج تملق گوئی اجباری را نیز، از بودجه خود بپردازند.

پیشنه‌ها ذاتاً وابتنکارات در این زمینه، دو نوع مشخص: مستقیم و غیر مستقیم دارد. در نوع اول، هدف پیشنه دهنده اینست که از برکت پیشنه‌اش، مستقیم‌مسأله و بلافاصله "نان و آبی" برسد، در نوع دوم: یا غیر مستقیم، هدف دورتری در نظر است: پیشنه دهنده میخواهد به مقام مرتبه "نان و آب داری" دست یابد.

برای روشن شدن این تئوری انقلابی، باید به یادآوری دوری دوسه نمونه کوچک و دست دوم زابتکاران اهل فن - که همگی، کم‌وبیش از دور و نزدیک شاهد آنها بوده‌ایم - بپردازیم.

(البته نمونه عالی، پیشنه‌ها جشن دوهزار و پانصدمین سال شاهنشاهی است که میگویند، به تخمین اهل حساب، صدها میلیون، برای پیشنه دهنده و شرکت‌ها صله‌ها شده است. ولی در باره این ابتکار

ارباب صنعت زیاد صحبت شده است و دو سه نمونه کوچک و دست دوم، از صدها مورد مشایبه، جزئیات تئوری جدید را بهتر روشن میکند.)

نمونه‌های نان و آب مستقیم

چشم ۱۰ هزارمین روز

در سال ۱۳۴۸، در تعقیب پیشنه‌ها یکی از "ارباب صنعت" به دفتر مخصوص، کمیسیونی تحت ریاست وزیر اطلاعات بنا شرکت: معاون وزارت فرهنگ و هنر - معاون نیروی هوایی - معاون وزارت خارجه - مدیرعامل تلویزیون ملی - معاون سازمانیت - معاون مدیرعامل شرکت ملی نفت - مشاوران وزیر اطلاعات، تشکیل شد.

رئیس کمیسیون موضوع را به اطلاع شرکت کنندگان رساند:
- پیشنه‌ها دی‌به‌دفتر مخصوص رسیده است که روزه ۲۰ دیماه سال جاری، که مصداق بنا ۱۰ هزارمین روز سلطنت شاهنشاهی آریا مهر است، جشن گرفته شود، و امرطام صبارک ملوکات به سرافوردیافته است که موضوع در کمیسیونی بررسی شود و نتیجه به عرض برسد. برنا مه پیشنه‌ها شده برای این جشن به شرح زیر است:

۱ - در آن روز تعداد ۱۰ هزار دسته‌کل بسه وسیله هواپیما روی شهر تهران ریخته شود.
۲ - ۱۰ هزار نفر از مستمندان اطعام شوند.
۳ - ۱۰ هزار تن مال میوه غرس شود.
۴ - ۱۰ هزار ریسمان بوسیله اعضاء خاندان جلیل سلطنت عیادت شوند و به هر کدام یک جعبه شکلات هدیه شود.

۵ - سفارخا نه‌های ایران در خا رجه‌ها ۱۰ هزار دلاز به مو، سات خیریه کمک کنند.
۶ - ۱۰ هزار...

راوی دست اول - یکی از مشاوران وزیر اطلاعات - برای نگارنده این سطور حکایت کرد که اعضاء کمیسیون، که هر کدام با بستی وظیفه سخت و گم‌چروپا داری را بعهده می‌گرفتند، ناچار می‌بودند و لای در مانده بودند که چه بگویند. بقول یکی از آنها - در خلوت - قضیه ریش‌بلند آن آخوندی بود که نه میشد زیر لطف جاداد و نه روی لطف عاقبت برای اینکه نمسی - توانستند در برابر چنین پیشنه‌ها "نه" بگویند، موضوع عدم تبعیض بین تهران و شهرستان‌ها را عنوان کردند. به این ترتیب که لازم است روی هر شهر و هر قصبه و هر دهی ۱۰ هزار دسته‌کل ریخته شود، چون در چله زمستان فرا هم کردن چند میلیون دسته‌کل، علی‌رغم "مسا سبات" قبلی پیشنه‌ها دهنده با گلسداران، مقدور نبود. وقتی ضد پیشنه‌ها کمیسیون به شرف عرض رسید، موضوع منتفی شد.

چشم در آلت

در سال ۱۳۵۶ یکی از "اهل صنعت" بیاد آورد که یکصدمین سال ولادت رضا شاه پهلوی است و برگذاری یک جشن بزرگ را پیشنه‌ها دکرد. مسا بقیه پیشنه‌ها، از سوی سایر اهل صنعت، شروع شد.

یکی از اولین پیشنه‌ها، این بود که روز ۲۴ اسفند مراسم جشن با شکوهی، با شرکت مدعوین داخلی و خارجی، در دهه آلت‌شست ما زنده‌ان، مولد رضا شاه، برگذار شود که مستقیماً "ز شبکه سراسری رادیو تلویزیون بخش شود. بموجب این پیشنهاد نمایندگان رادیو تلویزیون ملی ایران در سراسر

کشور تمام روز در ارتباط تلویزیونی با آلاشت خواهند بود. هر طفلی که در آن روز متولد شود و ولدینش برای او نام رضا را انتخاب کنند، مراسم زایمان و جشن و سرور خانوادگی، بوسیله شبکه سراسری، به آلاشت و آنجا به سراسر کشور منعکس شود. والدین رضا "های مذکور که عنوان "فرزندان ملت" را خواهند گرفت، در محاسبه‌های تلویزیونی، علت نامگذاری فرزندان خود را - که تجلیل از خدمات رضا شاه خواهد بود - شرح دهند و جایزه شایسته‌ای دریافت کنند.

کمیسیون‌ها برای تدارک این جشن تشکیل شد ولی از آنجا که آلاشت در گودی دره واقع شده و بخش تلویزیونی مستلزم ایجا چند آنتن عظیم بر فراز کوه‌های مازندران بود و از طرفی بعید می‌نمود که کسی حاضر باشد در آن موقع (اسفند ۵۶) اسم فرزندان را رضا بگذارد، این برنامہ منتفی شد.

پیشنه‌ها ددیگری رسید: از آنجا که فرانسوی‌ها، یک سنگ کوچک از سنگ‌های جزیره سنت هلن - تصعیدگاه‌ها پلثون بنا پارت - را که به‌کار نادرده شده و از طرف آن کشور به شهر داری پاریس اهدا کرده‌اند، در "ایل سن لوئی" میان دو شاهن، کارگذاشته بودند، یکی از ارباب صنعت - پیشنه‌ها دکرد که یک تخته سنگ از جزیره "مورس" - اولین تصعیدگاه رضا شاه - به تهران حمل و در پارک شاهنشاهی کارگذاشته شود. ولی از آنجا که پیشنه‌ها دهنده برنا مه حمل یک تخته سنگ چند تنی را - که حمل و نصب آن تا آنجا بی‌دانشت - پیش بینی کرده بود، و کمیسیون مربوطه توصیه کرد که به یک سنگ کوچک بسه اندازه، سنگ جزیره سنت هلن، اکتفا شود، خود و در کار کمیسیون سنگ انداخت و قضیه منتفی شد.

عاقبت تصمیم گرفته شده که مراسم تجلیل با شکوهی با حضور محمدرضا شاه در آراگاه مرحوم رضا شاه در حضرت عبدالعظیم برگزار شود که روز ۲۴ اسفند ۵۶ برگزار شد.

در این میان یکی از "ارباب صنعت" پیشنه‌ها دیک تجلیل بین‌المللی با حضور رجال کشورهای مختلف کرده بود، که به علت آغا زانگشتات، به جاشی نرسید.

ولی اینقدر شد که یک هیئت ۲۰ نفری از استادان دانشگاه‌های ترکیه را به ایران آوردند که طی مراسمی، با حضور و استادان دانشگاه‌های ایران، در مراسم رضا شاه در حضرت عبدالعظیم، حضور یافتند و بعد آن مرحوم دکترای حقوق افتخاری اعطا کردند.

نمونه‌های نان و آب غیر مستقیم

دوندگان طریقت

روزی از روزها، در روزنامه‌های اطلاعات و کیبیا خواندیم که وکیل دما و نسدنر مجلس شورای ملی، که قبلاً "هنرپیشه" تا تر بود، اعلام کرده است که قصد دارد بمناسبت روز چهارم آبان، میلاد مسعود شاهنشاهی آریا مهرا ز حوزه انتخابیه خود تا شهر تهران، بدود. تا آنجا می‌که به خاطر رم در چند کیلومتری تهران قلبش گرفت و او را با آمبولانس به شهر آوردند و دور بعد وکیل نشد و به برنامہ‌های تشریف‌آدیو

بقیه در صفحه ۵

شگردهای ارباب صنعت

بقیه از صفحه ۴

با زکشت. اما مثل اینکه ارباب صنعت فکر را پسندیدند. چندی بعد سفیر شاهنشاهی آریا مهر در کانا دا، در یک مباحثه مطبوعاتی اعلام کرد که - برای تجلیل از خدمات شاهنشاهی آریا مهر به کشور - قصد دارد از شهر "اتاوا" تا شهر "مونتسریال" پیاپی سفر کند. این آقای سفیر با استقاده از تجربه وکیل دعاوند، و دوران اندیشی ذاتی، شرایط احتیاط را رعایت کرد: اولاً پیاپی در راه نماند. ثانیاً "فرزند خود را همراهی کرد اگر اتفاقاً در راه ماند، از نژاد او و یک نفر از مراسم میهنی را به اتمام رسانده باشد. ثالثاً "عکاسی خبر کرده بود که در راه پیاپی عکس آنها را در حال پیشروی بیندازد، که عکس در روزنامه های تهران چاپ شود و پس از پایان ماه موریت کانا دا به سفارت دیگری رفت.

سیاست سرزمین سوخته

یک وقتی سه چهار سال پیش از عروج خمینی - مرحوم محمد رضا شاه در یک سخنرانی گفت که اگر به کشور ما تعرضی بشود، "سیاست سرزمین سوخته" را اجرا می کنیم، یعنی تا آخرین نفر ما و مست می کنیم و بعد بیست سال همه چیز را می سوزانیم. موقعیتی طلائی بود برای یکی از "ارباب صنعت" که پیشنهاد کرد: همه کارمندان دولت برای جنگ های پارتیزانی تربیت شوند.

پیشنهاد مورد تصویب ملوکانه قرار گرفت. در نتیجه، بنده که الان در خدمتتان هستم فارغ التحصیل دوره جنگهای پارتیزانی هستم، به این ترتیب که:

یک روز تمام اعضاء وزارتخانه ها را در آمفی تاتر بزرگ شیروخورشید سرخ، در خیابان قوام السلطنه جمع کردند. ابتدا تیساری که نمی دانم شکل اصلی اش چه بود - ولی مسئول جنگهای پارتیزانی شده بود - نطقی در باره عظمت منویسات ملوکانه در "سیاست سرزمین سوخته" ایراد کرد. سپس تیسار دیگری، که از قران متخصص اسلحه شناسی ستاد ارتش بود، رشته کلام را بدست گرفت و با نشان دادن یک اسلحه کمری به توضیح در باره ساختن آن پرداخت. تنها نکته قابل توجه در توضیحات او این بود که شلول را "رولور" می نامید در حالی که ما "رولور" ننشیده بودیم.

در پایان، وعده دادند که پس از اتمام تعلیمات تکوینک، تعلیم جنگ های پارتیزانی در سربازخانه ها، اجرا خواهد شد.

از دوسه روز بعد قرار شد که گروه گروه به مراکز آموزش اعزام شویم. لباس سربازی را عاریه دادند ولی گفتند که کلاه نظامی را از کلاه دوزی نظامی در خیابان سپه بخیریم. صبح روز موعود تعلیم برای جنگ های پارتیزانی، در یک گروه ۴۰ نفری بایک

اتوبوس، به ما شکارخانه را در مرئی واقع در ونکا اعزام شدیم. در سالن با نگاه تیسار ریاست با نگاه در نطق کوتاه، از فواشده جنگهای پارتیزانی در اجرای سیاست سرزمین سوخته، سخن گفت. بعد با یک اتوبوس نظامی به زمین تیراندازی هدایت شدیم. به هر کدام از ما یک کلاه خود و یک "رولور" و سنسنگ دادند که در محوطه ای به طول شایده ۱۰ متر و عرض ۸۰ متر در گروه های ۵ نفری هر کدام به آماج مقابل ۶ کلوله تلیک گردیم که تقریباً "هیچکدام به هدف نخورد. روز بعد به هر یک از ما یک تصدیق عکس داده و مأمور - بعنوان آماده برای جنگهای پارتیزانی - دادند. وقتی پرسیدیم سر سیاست سرزمین سوخته چه میشود، به ما جواب دادند: شما به آن کاری نداشته باشید. همان موقعی که شما مشغول آخرین عملیات جنگ پارتیزانی هستید، کارخانه ما، تحت ریاست تیمسار رفلائی، کارسخت و سوزنا را انجام میدهند.

در این میان فلسفه کلاه نظامی ما، که فقط نیم ساعت در اتوبوس به سر دادیم، نفهمیدیم. این کلاه نظامی عیارت بود از یک استوانه مقوای نیکو نقاب مقوای نیا یک روکش یا رجه ای نازک، که به هیچ حسابی نمی توانست بیش از دو یا سه تومان خرج برداشته باشد. در حالی که به ما، حدود یک میلیون کارمند دولت و سازمان ها و شرکت های وابسته به دولت، داده ای می توانست فروخته شده بود. اگر این تفاوت - تهیه لباس نظامی - به کنار - به حساب بیاید، این نمونه در گروه اول - مستقیم - قرار میگیرد.

سرود قلبی

در سال ۱۳۵۶ رئیس جمهوری مکزیک ویک هیئت مکزیک به دعوت رسمی پادشاه ایران، به تهران آمدند. ظاهراً "یکسی از ارباب صنعت متوجه نکته ای شد که برای فرمتی طلائی پیش آورد تا پیشنهاد دلچسپی به شرف عرضی برساند. در نتیجه، این پیشنهاد دیرینه های با این شرح در تمام وزارتخانه ها اجرا شد. بنده تصادفاً "در آن ایام در مرخصی بودم. ولی شرح واقعه در روزنامه ها خودمان را، از افراد صادق و امینی شنیده و در دفتر خاطر امیادداشت کرده ام. وانگهی واقعه ایست که چند نفر را هدایت کرده است:

یک روز خبر کردند که تمام کارمندان، از عالی و دانی، باید از ما "در سالن اجتماعات جمع بشوند که چنان وزیبر فرمایشاتی میفرمایند.

سر ساعت معین در سالن اجتماعات، قائم مقام وزیر پشت تریبون رفت. بعد از بوز ارفیبت جناب وزیر که شرفیاب بودند، نطقی تقریباً "به این مضمون ایراد کرد:

در سفر اخیر حضرت رئیس جمهوری مکزیک، ملاحظه شد که رئیس جمهوری و همراهمان، موقع اجرای سرود ملی، دست روی قلب، متن سرود را بخواندند. از جانب یکی از آقایان وزیران بدیشکا مبارک ملوکانه پیشنهاد شد که این سبوه مرصعه و وطن پرستانه در کشور ما نیز اجرا شود. در

اجرای او و مرطاب مبارک، وزارت فرهنگ و هنر، با تجهیز نیروی انسانی کافی، ماه موراجرای این امر به شده است. هیئت های مربی به تمام وزارتخانه ها و سازمان های وابسته به دولت در سراسر کشور اعزام شده اند تا کارمندان دولت را برای این امر مهم تشریفاتی و میهنی آماده سازند. از آنجائی که دولت توجه خاصی به وزارتخانه ما دارد، سرکار خانم مدیر کل سرودها و ترانه های وزارت فرهنگ و هنر، به اتفاق معاونان اداره موسیقی آن وزارتخانه، شخصاً "قبول زحمت فرموده و تشریف آورده اند. از سرکار خانم تمینی دار توضیحات لازم را به اطلاع همکاران ما برسانند.

بعد از آن مدیر کل پشت تریبون رفت و بعد از نطق کوتاه در باره اهمیت خواندن سرود شاهنشاهی، بعد از بلند، در معسرفی احساسات وطن پرستانه، ماه موران دولت شاهنشاهی، توجه نمودند که ناچار به دو نکته بسیار مهم جلب کرد: نکته اول اینکه باید توجه بفرمائید که در بیت اول سرود (شاهنشاه زنده باد - پادشاه کشور به فرخ جاودان)، یک تغییر مهم بوسیله اداره کل سرودها در نوت سرود داده شده است. به این معنی که در گذشته "جاودان" به کسر "واو" خوانده میشد و در تغییر اخیر "واو" جاودان کشیده ساکن شده است. نکته مهم دوم طرز قرار دادن دست روی سینه حین خواندن سرود است: دنبال محل دقیق قلب نگردید، مهم اینست که با زوی راست به بدن چسبیده باشد و دست و پا زویک زاویه قائمه تشکیل بدهند. حال آنکه از چنان آقای معاونان اداره کل موسیقی تمنی میکنم با موزیک سرودها همراهی بفرمائید تا یک بار سرود را برای شما بخوانم.

آنگاه معاونان اداره موسیقی با ویولن نت پیش درآمد سرود را خواندند و خانم مدیر کل " شاهنشاه زنده باد " را دوبار خواند. بعد نوبت ما شد که تحت "باکت خانم - دست روی قلب سرود را خواندیم و بعد نوبت بی استعدادی آقای قائم مقام در گرفتند. تغییر مهم "جاودان" به "جاودان" کشیده، مجبور شدیم چهار بار تمرین را تکرار کنیم. بعد وقتی وطن عزیز را از این خطر جست، رفتیم و بیخانه آمدیم.

این سرود ما هم منظور که میدادند در تمام وزارتخانه ها و مومسات دولتی اجرا شد. ولی از یکی از قضات دادگستری شنیدم که اجرای این سرود مدد دیوان کشور که رؤسا و اعضای شعب، غالباً "بیچاره سالخورده و بعضی شان به عارضه لرزش و لقه و دچا ربودند، با اشکالات فراوانی روبرو شده بودند تا جائی که کار به گسار شرف عرضی کشیده بود.

با این نمونه های تاریخی واقعی - هر چند کوچک و دست دوم - که شهود بی شمار حتی و حاضران رند، تصویری کنیم مگانسیم انقلابی تملق روشن شده باشد.

بطوری که ملاحظه میفرمائید، عرض تملق که از گذشته های دور تا دهه ۴۰، دو طرفه بود، یعنی تملق گوی و تملق شنود داشته است. از این تاریخ، سه طرفی یا سه ضلعی شده است. وضع هر یک از اضلاع شرح حال ارباب با اضلاع را اینطور میشد خلاصه کرد: ضلع اول، یعنی تملق گوی، اولاً از زحمت

و مرارت جستجوی ردیف و قافیه برای قصیده اش خلاص شده بود: فکرش را بکنید: پیدا کردن ردیف و قافیه برای یک قصیده، چهل پنجاه بیستی هیچ کار آسانی نیست. مگر در زبان فارسی چندواژه در ردیف "گزیده" و "بریده" و "آگاه نیست" و "آبناهنیست"، می شود پیدا کرد؟ ثانیاً "به جای چندا شرفی یا جبه ترمه یا شمشیر مرصع، میلیون میایون نقد، آنهم به از معتبر می گرفت. تنها زحمتش این بود که گوش بسنه زنگ موقعیت های مناسب برای تقدیم یک پیشنهادی باشد.

ضلع دوم یعنی تملق شنود، نیز وضع بسیار بهتری پیدا کرده بود، بخلاف سابق، حاجتی نبود که در جنگی فاتح شود، شیرو پلنگی شکار کند یا حتی در بازی شطرنج ببرد، تا تملق بشود. زیرا ارباب صنعت در خانه های خود، در اندیشه مداومت در کار عرض تملق به شیوه جدید، به هر مناسبتی بودند. ثانیاً "هزار بار بیشتر از قزل ارسلان لذت می برد، زیرا عرض تملق دسته جمعی می شنید و به جای تملق کرسی فلک عملیه صناعت، مردم را میداشتند. نچند کرسی زیر پای اندیشه بگذارند و بر کار با توموبیل رولر و پیش بوسه بزنند، تا لاله های که میداد، از جیب خودش که نبود هیچ، چیدمان تازه مانده "صله یک" اوسا علمی هم برای خودش میماند.

اما ضلع سوم که بار همه مرا سموچن ها و سیاست های عرض تملق را اجرا می بدوش می کشید، در این میان چه برد؟

ضلع سوم اولاً، به دستور، کلوی خودش را بار می کرد که با آهنگ و آواز تملق عرض کند: "کز بهلوی تملک ایران - صدره بهتر ز عهدستان"، ثانیاً "حقوق و خرج سفر مدیر کل سرودها و ترانه ها و همسایه هیئت های اعزامی به اقصی نقاط کشور را می برد تا که بیرون رود تا بر میهنان را برای عرض تملق تربیت کنند. ثانیاً " آن روزی که قرار بود "سیاست سرزمین سوخته" اجرا شود، تئوریسین ها و سرداران این سیاست، زودتر از همه، اموال نسوز خود را برداشتند و راهی سرزمین های نسوز شدند و قافیه مردم که تمام مخارج تمرین "سیاست سرزمین سوخته" را، از زنان شهبان، برداشته بودند، انگشت به دهند، در سرزمین سوخته ماندند و چیز بی، جز دلی سوخته، نصیب نبردند.



هم میهنان عزیز!

هر روز تلفن خبری نهفت مقام ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد.

۴۰۵ - ۹۰ - ۴۰۵ پاریس



یکشنبه ۱۵ آذر

قایق های تندرو جمهوری اسلامی ساعت بعد از حمله به یک نفتکش دانمارکی به نام "استل مارسکا" که به کشته شدن یکی از ملوانان آن انجامید، یک نفتکش سنگا پوری را به نام "نورمن آتلانتیک" مورد حمله قرار دادند و آن را به تاخت کشیدند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، یک ایرانی که گفته میشود برای دریافت پناهندگی سیاسی، مخفیانه وارد ترکیه شده بود در برابر دفتر نمایندگی سازمان ملل در آنکارا دست به خودکشی زد که بلافاصله به بیمارستان منتقل گردید. حال وی وخیم گزارش شده است.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی، جدید مجمع عمومی سازمان ملل متحد را مبنی بر بیامان شدن حقوق بشر در ایران بشدت رد کرد و آن را تاج و زشکارا به قوا نین اسلامی خواند.

جنگ جمهوری اسلامی و عراق به پایان رسید.

چهارشنبه ۱۸ آذر * منابع مستقل کشتیرانی در خلیج فارس اعلام کردند که نفتکش سنگا پوری "نورمن آتلانتیک" که پس از حمله قایق های سریع جمهوری اسلامی دچار حریق شده بود و همچنان در آتش می سوخت، دسروز در حوالی تنگه هرمز منفجر شد و غرق گردید.

دوشنبه ۱۹ آذر

روح الله خمینی وصیت نامه سیاسی خود را تنظیم کرد و دو نسخه از آن را به سران رژیم تسلیم کرد تا بطور مرموز موم شده در مجلس خبرگان و آستان قدس رضوی نگاهداری شود. خمینی طی مراسمی که در آن منتظری، مشکینی، رفسنجانی، خامنه ای و احمد خمینی و عده ای از سران رژیم حضور داشتند و از ادب و بخشش در حالیکه بسیار صفا و ضعیف و خسته صحبت می کرد، اظهار داشت بر حسب ضرورت های زمان تغییراتی در متن وصیتنامه خود داده است.

به نوشته کویته دین، شارل پاسکوا وزیر کشور فرانسه طی سخنانی در بنیاد آینده اظهار داشت، منطق به ما حکم می کند در چشم انداز تغییر رژیم در ایران که روزی به وقوع خواهد پیوسته، این کشور را به دیپلماتیک برقرار کنیم.

به گزارش لویزلندن، هواپیما های عراقی نفتکش ۳۱۷ هزار تنی جمهوری اسلامی را به نام "الموت" مورد حمله قرار دادند.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی، طی بیانیه ای اعلام کرد که جدید مجمع عمومی سازمان ملل متحد را مبنی بر بیامان شدن حقوق بشر در ایران بشدت رد کرد و آن را تاج و زشکارا به قوا نین اسلامی خواند.

اولین دور مذاکرات "پرز دو کوئیلار" با طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق، بدون تغییر مهمی در مواضع بغداد در مورد

این منابع همچنین عادی سازی روابط فرانسه و جمهوری اسلامی را تکذیب کردند

و تا کیدور زیدند که با بن جنس سنگ سفا رتخا نه ها، به معنای عادی شدن روابط نیست.

دوشنبه ۲۳ آذر

علیرضا آقا زاده وزیر نفت جمهوری اسلامی در پی اختلاف نظریه ها با اعضا ایک دربار، به تنبیه های نفت امروز عازم تهران شد. لازم به یاد آوری است که جمهوری اسلامی اصرا ردا ردیهای نفت به بیشک های ۲۰ دلار افزایش یا بدولی سایر کشورهای عضو ایک، برر ششیت قیمت در بیشک های ۱۸ دلار فشاری می کنند.

روزنامه ها تا بمرزا پ لندن گزارش داد که روح الله خمینی در حالت اغما به پسر می برد. به گزارش تا میزیک پزشکی انگلیسی و دو متخصص تریبی، روزیکشنبه از زوین به تهران پرواز کردند تا خمینی را از مرگ نجات دهند.

قایق های تندرو جمهوری اسلامی یک نفتکش ۱۵۲ هزار تنی یونانی به نام "آریادن" را در دهانه تنگه هرمز مورد حمله قرار دادند.

هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با روزنامه کیهان چاپ تهران اعلام کرد، به بهبود مناسبات جمهوری اسلامی و فرانسه چندان

خوشبین نیست زیرا در جامعه فرانسه رایج به مناسبات با ایران اتفاق عقیده وجود ندارد.

غلامرضا آقا زاده وزیر نفت جمهوری اسلامی که پیش از این با فتن کنفرا نس ایک از زوین به تهران بازگشته بود، پس از مشورت با مقامات ارشد جمهوری اسلامی، نظر موافق جمهوری اسلامی را نسبت به توافق نهایی اجلاس ایک اعلام کرد که توسط کاظم زاده اردبیلی معاون وزیر نفت به امضا رسید.

چهارشنبه ۲۵ آذر

قایق های تندرو جمهوری اسلامی طی ساعت گذشته یک کشتی با ری متعلق به کشور "مالدیو" و یک نفتکش یونانی را در آب های "ساحلیمه" مورد حمله قرار دادند و آنها را به آتش کشیدند.

منابع دیپلماتیک در سازمان ملل اظهار داشتند که شورای امنیت طرف هفتمه آیینده و قبل از اعمال مجازات های اجباری طی بیانیه ای آخرین اظهار جمهوری اسلامی برای پذیرش آتش بسس خواهد داد. شوروی که اکنون ریاست دوره ای شورای امنیت را بر عهده دارد، مامور تهیه متن این بیانیه شده است که سپس میان اعضا شورا به بحث گذاشته خواهد شد.

جرج شولتز وزیر خارجه آمریکا اظهار داشت مقام های شوروی گفته اند که ما بیلند در زمینه اجرای قطعنامه ۵۹۸ شوروی امنیت گام های به پیش بردارند.

پنجشنبه ۲۶ آذر

بر اساس گزارش روزنامه لوما تن، وحید گرجی مترجم پیشین سفارت جمهوری اسلامی در پاریس، اکنون در تهران مسئول بی گیری روابط سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی با فرانسه شده است.

جمعه ۲۷ آذر

به گزارش خبرگزاری فرانسه، مقامات دولتی فرانسه از اقامت یک محقق ایرانی به نام میر حسین جها تکیسر را که ستاد بخش مهندسی برق "استیتوی ملی علوم عملی" شهر تولوز است به اتهام برهم زدن نظم عمومی لغو کرده و وی یک ماه مهلت داد تا خاک فرانسه را ترک کند. وی به خبرنگاران اظهار داشت که عضو هیچ گروه سیاسی اپوزیسیون خارج از کشور نبوده و دلیل آنها موارده بر خود را نمی داند.

شنبه ۲۸ آذر

وزیربازرگانی درباری یونان روز گذشته ضمن احضار سفیر رژیم جمهوری اسلامی در آتن، بشدت نسبت به حملات اخیر جمهوری اسلامی علیه نفتکشهای یونانی در خلیج فارس اعتراض کرد.

پایان

تحشیه: حاشیه نویسی، کشف نام تفسیری است سخت معروفه، مفتاح و مطالع و مصباح نیز نام مکتب است از کتاب های مشهور آن روزگار.

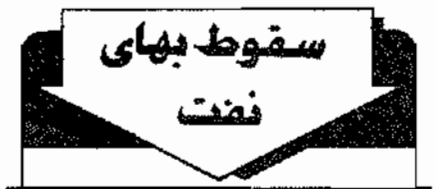
سخنی در باره حافظ (۳)

گر به دیوان غزل صدر نشینم چه عجب

بنا بر ترتیب است که دیوان خواهد در دوران حیاتش تدوین نشده باشد و پس از آن که وی رخت وجود زده لیز سنگی اجل بیرون برد و روان پاکش با ساکتان عالم غلوی قرین شد و از قیمت تکفیر و عیب جوئی شیخ پاکدامن رست، دوستانش به تمام آیین مهوری آوردند: "سوابق حقوق صحبت... و شرفیاب عزیزان با صفا... حاصل و باعث بر ترتیب این کتاب... گشت."

دو نسخه یکی آن است که مورخ به سال ۸۱۳ است و دیگری نسخه ای که بی تاریخ است و یکی از شش منبع اساسی مرحوم قزوینی قرار گرفته و زیر عنوان "نسخه نخ معوی" شده و در آن نیز به همین شیوه ابتدا قسمتی از غزلیات به ترتیب الفبای ثبت گردیده و سپس قسمتی دیگر به همان ترتیب و زیر عنوان "غزلیات جدید" و "تتمه حرف الف" الحاق شده است.

پایان



بقیه از صفحه ۱

برخلاف ابراهیم خورشیدی وزیران اوپک در پایان کنفرانس، بیشتر هیئت های نمایندگی و نمایندگان بطور خصوصی نسبت به این قرارداد اذعان شده بتوانند بهای نفت را ثابت نگه دارند و بدین ترتیب اظهار دیدگاهی می کردند. به گفته یک کارمندیکو شرکت های بزرگ نفتی اروپایی: " هفته آینده بهای نفت از ۱۷ دلار قبیل کنفرانس، به ۱۵ دلار کاهش خواهد یافت و این کاهش است برای کشورهای تولیدکننده نفت. " وزیران نفت بر لزوم تضابط مطلق در سازمان طی ماه های آینده تا کید بسیار می ورزیدند، به گفته وزیر نفت سعودی " ارزش هر قرارداد در جای آن است. " وی اضافه کرد: عربستان سعودی دیگر نقش تولیدکننده مکمل را بر عهده نخواهد گرفت. " به گفته وزیر نفت گابون " اکثر همه کشورهای واقعاً متعهد شوند و میسزان تولید به راستی تحت کنترل قرار گیرد، دلیلی برای کاهش قیمت ها وجود نخواهد داشت. " این قرارداد که در بیان سیاسی ترین کنفرانس اوپک در طول عمر این سازمان به امضاء رسید، چه از نظر شکل و چه از نظر محتوا با قراردادی که در سال ۱۹۶۵ میلادی در ویکامانجا در انگلستان منعقد شد، تفاوت های اساسی دارد. در آن قرارداد، نفت را به قیمت ۱۸ دلار در هر بشکه در هر روز تعیین کرده است که حدود ۱۶ میلیون بشکه در روز بود. تمام کارشناسان، تقاضای بازار برای نفت اوپک را بین ۱۷/۵ تا ۱۸ میلیون بشکه در روز برآورد میکنند، به شرط آن که شرکت ها ناگهان ذخایر نفت خود را با بازار نکنند، کاری که اگر دلار به سقوط خود ادامه دهد، خواهند کرد، زیرا ذخیره نفت در حکم ذخیره کردن دلار است، همچنین به شرط آن که دلالتان بیش بینی کاهش دوباره بهای نفت را نکنند و تمام کشورهای به دست سهمیه تولید خود را رعایت کنند.

بعضی ما تنها مارات متحده عربی تولید خود را به دو برابر سهمیه تعیین شده افزایش دادند. هیچ یک از ناظران نیز حاضر نیستند بر تاء شیر بخشیدن سیستم نظارت از سوی یک مؤسسه خارجی شروط بندی کنند زیرا این روش در سال ۱۹۸۵ اجرا شد و هیچ نتیجه ای نداشت. اما اختلاف اساسی قرارداد امسال با قرارداد پارسانه در ارقام کسه در

بقیه از صفحه ۱

برای توسعه نامعقول و نامتناهی، بجای آن که با ری از دوش جا مع برسد، با ری بر سر با محسوب میشد. مع الوصف، برای توسعه اقتصاد و سرمایه گذاری گسترده در کارهای عمرانی، رفته رفتی از هجوم نیروی کار به طرف بخش اداری کاسته میشد و بخش اداری، در مسواری برای نگهداشتن کارهای خود بجزحمت می افتاد.

بعدها از استقرار رژیم جدید، که بقول فردوسی منبر با تخت یا تخت یا منبر برآید، حکومتگران که تجربه یی در اداره امور کشور ندا شتند و "عوامل دیگری سیر می کردند طبعاً نتوانستند بپذیرند در یک کشور پنجاه میلیونی، با مشخصات کشور ایران، اگر ناگهان نظام اقتصادی و اداری را بهم بریزند چه فاجعه یی ببار می آید.

گوشه یی ازین فاجعه، همین وضع اشتغال است. جمعیت کشور، مطابق آمار ی که اخیراً "انتشاریات" از مرز پنجاه میلیون گذشته است و در حالی که دولت جرأت نمی کند در قریب یک سال اعلام کند، هر سال نیم میلیون بر متقاضیان کار افزوده میشود. ایران اگر در عداد کشورهای فقیر قرار داشت و مراحتی از رشد توسعه را نگذرانیده بود بحران ناشی از هرج و مرج و هر که هر که را - که از عوارض اجتماع نا پذیر هرا انقلابی محسوب می شود - به نحوی میتوانست از سر گذراند. مسأله اینست که ایران کشور فقیری نیست و حکومت کنونی میخواهد بزور، زندگانی فقیرانه را بر مملتی بالقوه شروتمند تحمیل کند.

جنگ هفت ساله تا حدود زیادی تحقق این مقصود را ممکن ساخته است. در سالهای اخیر در آمار ی کشوری آن که جذب برنامهای توسعه و عمران شود و تا نیری بر اوضاع عمومی مردم بگذارد، یک قلم صرف خریدار لحه و تا "مین ما بحتجاج جیبها شده است و میلیون ها جوان و نوجوان ایران تی بیش از آن که فرصتی برای فرا گرفتن و مشغول شدن به کاری حاصل کنند همین که دست راست و چپشان را شناخته اند، و حتی قبل از آن که دست چپ و راستشان را از هم با زشناخته باشند، در خدمت جنگ قرار گرفته اند. یعنی تنگی به دستشان داده اند و لقمه نانسی هم به آنها میرسانند تا بخورند و خود را برای استقبال از مرگ زنده نگاهدارند. برای این جوان ها، که بخش قابل ملاحظه یی از نیروی فعال انسانها مع ما را تشکیل میدهند، مسأله "اشتغال" فعلاً "بدین صورت حل شده است. بسیاری دیگران هم طرح "خود اشتغالی" را مهیا

طرح "خود اشتغالی"!

کرده اند که بر حسب اظهار مسئولان امر به مراحل اجرایی خود نزدیک میشود. طرح "خود اشتغالی" را وزارت کار و امور اجتماعی تهیه کرده و جهت تصویب به وزارت بودجه و برنامه فرستاده است و به منظور آن که کارها با سرعت پیش برود و هر چه زودتر مهیا را اشتغال جدید بوجود آید و مسأله بیکاری بطرز انقلابی حل و فصل شود، مسئولان وزارت کار با مسئولان شهرداری برای تخصیص جا و محل مشغول مذاکره شده اند.

وزارت کار و امور اجتماعی در گزارشی که به همین مناسبت انتشار داده است می نویسد: " تنگنا های اقتصادی و کمبود منابع ارزی، نه تنها امکان سرمایه گذاری های گسترده توسط بخش دولتی و خصوصی را تا چند سال آینده غیر ممکن ساخته، بلکه تکمیل و راه اندازی سرمایه گذاری های نیمه کاره موجود را هم مشکل کرده است. نظام اداری کشور نیز که اغلب، نقطه امید جوانان در پیلمه و تحصیل کرده دانشگاهی جهت استخدام و اشتغال بکار بوده و می باشد دلیل محدودیت در بودجه جاری و تورم نیروی انسانی، به هیچ وجه امکان پذیرش نیروی آماده بکار جدید را ندارد. "

با همین چند سطر، وزارت کار و امور اجتماعی رژیم آیت الله به جوانان ایرانی، بویژه در پیلمه ها و دانشگاه ها - دیده ها غیر میدهد که تا سالها در بخش اداری و نیز در عرصه فعالیت های عمرانی کاری برای آنها وجود نخواهد داشت، برای بساط پهن کردن در کنارها در وها ودلای ورمالی هم دیگر جای خالی وجود ندارد و همان ها که قبلاً به این کارها روی آورده اند و استعدادش را هم داشته اند لقمه را از زهمی ربایند. پس چه باید کرد؟ برای زنده ماندن با یدان داشت و برای نان بدست آوردن باید کار کرد.

میلیون ها جوان بیکار، که هر سال نیم میلیون هم بر تعداد آنها اضافه میشود، نا نشان را با پیدا چه کاری در آورند؟ اینجا است که علماء و عقلای جمهوری اسلامی، آن راه حل معجزه آسار را ارائه میدهند: خود اشتغالی! " خود اشتغالی " به تعریف ساده یعنی آنچنان کارهایی که احتیاج به هیچگونه روحیه ای است که برفخای امخای قرارداد حاکم بود، عزم راسخ و همبستگی ۱۳ کشور عضو برای دفاع از بهای ۱۸ دلار که حاصل موفقیت آنها در سال گذشته بود، اینک جز یادگاری متعلق به گذشته نیست. عربستان سعودی به صراحت تفهیم کرده که از تابستان گذشته ولایت های خود را تغییر داده است. به گفته یکی از اعضای مهم هیئت سعودی، کشور متبوع وی در باره

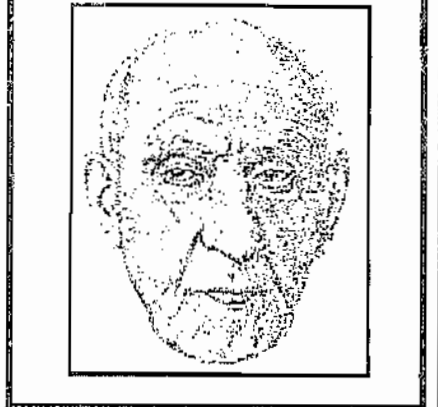
دو مسئله حاضر به گذشت نیست. یکی افزایش بهای نفت، زیرا برخلاف مزاج بازاریار و دیگر آن که عربستان از این پس برخلاف سالهای قبل از سهمیه خود دفاع خواهد کرد. بطور روشن تر، عربستان سعودی در سال گذشته هرگاه لازم بود با کاهش دادن میزان تولید خود تلاش میکرد تا بهای ۱۸ دلار برای

بخت بیدار دموکراسی و نگاهی بر کتابی

بقیه از صفحه ۳
آن رقص های بر آب و تاب کور شده است
خمنانه ترا ز هر محم جانی بر اولیا دیروز
خودمی تا زندگی
آری، حقوق برسان هم دروغ و بازی است
و شگفتا که در حقیقت آن رنکها که در روزگار
سوار می خیزد بزیان می آوردی راه
قول قلمه و اوین را به روی خود آب و
چارو می کردی
از ژنرال پینوچه تصاب تبلیسی
دیکتاتورهای افریقای سیاه (حتی
رفتگان) و عجب تر آنکه از زما پده های
سقوط دولت دموکراتیک آئنده در نیلی
مثل می آورند، تا اساس "حقوق بشر" و
"دموکراسی" را به خیال خود دست
بیندا زند و اما سا "گوشان هم بدهکار
این حساب نیست که هیچ عاقل اهل
نظری ادعا نکرده است که "جهان بزرگان"
تا گهان خواب نموده و بخود قبولاننده
است که: "هیجات حقوق بشر را نادیده
گرفتیم و یگنا کبیره دست زدیم"
این کمال ساده لوحی است که چشم بر آن
دست های بیندیم که پینوچه و
سوموزاها و ما رکوس ها و دیگران و دیگران
را علم کردند، صحبت بر سر این است که چه
شد حالیکه یک آنها با اردنگی صحنه را
ترک میکنند؟ - چه پیش آمد که پیش از
دوسوم همان نیم قاره ای امریکای جنوبی
از جنگ امثال آن عشن تریس و
سرشناس ترین دیکتاتورها رها شدند؟
چه اتفاقی افتاد که نظام برما رکوس پس از
قریب بیست سال چاکری به آن زاری و
افتخاح جا خالی کردند؟

مسلم "ماهیت" عروسک سازان تغییر
نکرده است، آنچه تغییر کرده فضای زندگی
است، حال و هوای تازه ای است که به آبر
قدرت غرب آموخته است، از "عروسکها"
جز آب بستن به آسیاب حریف کاری بر
نمی آید و به ابر قدرت شرق حالی کرده
است که "درهای بسته" به انفجار می کشد.
عزاداران "بپشت های گمشده" با این
چرخش عجیب می خواهند نمود کنند که
بیدار بیدارند ولی پیدا ست که سخت
خواب خواب مانده اند، زیرا حسداقل
نشانه های بیداری آن بود که زبان از
شکوه نسبت به "خواجگان" جهلان
درمی کشیدند که این حق مسلم خواهان
که غلام خود را نگهدارند و با فروشد و آزاد
کنند و اگر بر آنها بی عنایتی شده، این
روال رابطه های خواجهگی و بندگی است.
و حرف آخر این عزاداران این است که
یکبار فقط یک بار بیدار بیدار بگویند و
بنویسند که چه می شد به روزگار رسواری و
کا مرانی قلم بدست می گرفتند و چنین تیز
وتند بپوشن ترین دیکتاتورهای امریکای
جنوبی و پینوچه های قصاب شهید میزدید
و از سر نوشت در دناک حکومت دموکراتیک
سا لوا دور آئنده در نیلی حکایتی جاندار
و عبرت آموز به "مومنان" خود عرضه
می داشتید؟

فواد روحانی زندگی سیاسی مصدق در متن نهضت ملی ایران



کتاب "زندگی سیاسی مصدق" نوشته
آقای فواد روحانی - که قبلا "زیر عنوان
"مصدق در کشاکش چپ و راست" در قیام
ایران، به مرور، درج شده بود، از چاپ
خارج شد.
این کتاب در واقع اولین اثر تحقیقی در
باره زندگی سیاسی مصدق در متن نهضت
ملی ایران است. کتابی که تاکنون
در بازار، مصدق و مبارزات ملی او را نشان
یا فته، عموما "در ۹ سال اخیر به رشته
تحریر درآمده است. زیرا در دوران اختناق
۲۵ ساله، پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲،
کوشش میشد که حتی نام مصدق به فرا موشی
مطلق سپرده شود. در نتیجه هیچگونه
تحقیق و تاء لیبی در باره او مجاز نبود.
در سالهای اخیر نیز تا در کتابها می گذرد
با ره مصدق و مبارزات او نوشته شده و افی
به مقصود نیست. زیرا از طرف نویسندگان
آنها به مدارک معتبر خارجی دسترسی
نداشتند و از طرف دیگر برای اینکه کتاب
اجازه انتشار پیدا کند، ناچار بودند نقش
شوم ملایانی نظیر سید ابوالقاسم کاشانی
را - که در همدان است و همدستی او به
در باره عوامل خارجی، در سقوط حکومت
مصدق و شکست نهضت ملی ایران شکی
باقی نمانده است - از قلم پینوچه و زندوچه
بسا بحکم جبار، در این باره قلب واقعیت
کنند.

کتاب آقای روحانی بر اساس مدارک و
اسناد دوتا لیفات معتبر داخلی و خارجی،
از جمله اسناد محرمانه وزارت خارجه
انگلستان - که پس از مهلت قانونی ۳۰
ساله - منتشر شده، تنظیم یافته و نویسنده
با دقت و وسواس یک تاریخ نویس، اسناد
بهر تقدیر - ما هم پیدا ست که بپهوده جان
میزنیم تا به حضرات حالی کنیم که مرغ
دو پا دارد. ناچار به خود و مغا طبان خود
با زگر دیم تا پشت به واقعیتات و
تجربیات، تصویر جهان را روشن تر و
آنچنان که هست با زیا بیم. تصویری که
از ورای دغلی ها و بازیها و "سیاست ها"
و کج رویها و عارضه ها گواهی می دهد که در
شرق و غرب اقبال آزادی سرب طوع نهاده
است.

بهر تقدیر - ما هم پیدا ست که بپهوده جان
میزنیم تا به حضرات حالی کنیم که مرغ
دو پا دارد. ناچار به خود و مغا طبان خود
با زگر دیم تا پشت به واقعیتات و
تجربیات، تصویر جهان را روشن تر و
آنچنان که هست با زیا بیم. تصویری که
از ورای دغلی ها و بازیها و "سیاست ها"
و کج رویها و عارضه ها گواهی می دهد که در
شرق و غرب اقبال آزادی سرب طوع نهاده
است.

ومدارک موجود را از ما فی انحقا د علمی

گذرانده است.
در این کتاب لیف مقدمات پیدایش نهضت
ملی ایران، موجبات و هدف های گسترده
ملی کردن نفت، پیمانها و انعکاسات
جهانی آن، اصطکاک با سیاستها و
توطئه های خارجی، برخورد آن به ضدیت
عوامل استبداد دوار ثجاج و کمونیسم،
روشن شده است.

بنظر ما، نسل جوان ایران که آن دوران
پرافتخارا زندگی نکرده و مدارک معتبری
برای دانستن وقایع دردست ندارد، و از
طرفی غالبا "در معرض زهر پراکنی های
مشئی از با زماندگان رژیم کودتای ۲۸
مرداد ۳۳ قرار دارد، با خواندن این اثر
تحقیقی به روی واقعیت یکی از رخشانترین
دوران های نهضت ملی ایران چشم خواهد
گشود.

بهای کتاب ابتدا ۱۰۰ فرانک فرانسه
معادل ۱۵ دلار آمریکا می تعیین شده بود.
ولی با توجه به مضیق مالی غالب هموطنان و
بخصوص جوانان، مؤلف محترم موافقت
نمودند که به قیمت ۶۰ فرانک برابر ۱۰
دلار - در دسترس علاقه مندان گذاشته شود.
خواستاران میتوانند برای خرید آن در
امریکا و اروپا، به آدرس های زیر مراجعه
نمایند:

- K.V.C. Suite 5, College House, 29/31
Wrights Lane, Kensington, London
W85SH, England Tel: 01-938 1730
- Kanoon Ketab, 2A Kensington Church
Walk, London W89NL, England
Tel: 01-937 5087
- Ketab Corp, 10661 Ventura Blvd,
111, Encino Ca. 91 436-U.S.A.
Tel: (818) 995 3822

هموطنان مقیم اروپا، همچنین میتوانند
با ارسال معادل ۶۰ فرانک فرانسه یا حواله
به حساب بانکی قیام ایران (با ضافه هزینه
پستی) و ارسال قبض رسید به آدرس روزنامه
کتاب را دریافت دارند.
هزینه پستی بشرح زیر است:
اروپا هوایی: ۲۰ فرانک
اروپا زمینی: ۱۱ فرانک
ضمنا " برای نمایندگی فروش میتوانند
در فرانسه، یا نشریه قیام ایران، و در انگلستان
با آدرس زیر مکتبه فرمایند:

C/O Mrs. Kar, No. 12 Croft Gardens
London W7 Tel: 01-579 3923

رادبو ایران ساعت های یخی برنامه

- برنامه اول
ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ ساعت ۱۷ تا ۱۸ به
وقت تهران: روی امواج کوتاه
رادیو های ۲۵ متر (فرکانس ۱۱۷۵ کیلو
هرتز) و ۳۱ متر (فرکانس ۹۵۸۵ یا ۹۵۹۴
کیلوهرتز) و ۴۱ متر (فرکانس ۷۱۷۰
کیلوهرتز).
- برنامه دوم
ساعت ۶ تا ۶/۵۵ روی امواج کوتاه
رادیو های ۱۹ متر (فرکانس ۱۵۶۵ کیلو
هرتز) و ۳۱ متر (فرکانس ۹۴۰۰ کیلو
هرتز) و ساعت ۲۲ تا ۲۲/۵۵ به وقت
تهران روی امواج کوتاه رادیو های ۲۱
متر (فرکانس ۹۴۰۰ کیلوهرتز) و ۴۱
متر (فرکانس ۷۰۷۵ کیلوهرتز).

درخواست اشتراک

- بهای اشتراک: یک ساله ۲۲۰ فرانک فرانسه -
شش ماهه ۱۱۰ فرانک فرانسه -
فانسیون نصف قیمت

اینجانب (نام و نام خانوادگی -
فارسی و به حروف لاتین)
نام خانوادگی: _____
Nom _____
نام: _____
Prénom _____
آدرس: _____
Adresse: _____
- ما بایم نشریه قیام ایران را به
مدت یک سال () به مدت
شش ماه () مبلغ _____ فرانک
فرانسه به حساب بانکی نشریه قیام
به حساب بستی نشریه قیام
تغییر رسیده به ضمیمه ارسال می کرده.
تاریخ _____ امضاء _____

شماره حساب پستی: _____

QYAM IRAN
C.C.P. No: 2400118/E
PARIS

شماره حساب بانکی: _____

QYAM IRAN
Crédit du Nord
78, Rue de la Tour
75116 Paris
Compte No: 11624700200

توجه لازم

شما را در تقاطع های اشتراک را به آدرس
قیام ایران ارسال فرمایید. نامه ها می
کتاب آدرس حساب پستی یا بانکی
فرستاده شود. بدست ما نمی رسد.

قبای به نام

جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۹
حتی با وجود خمینی، نظام جمهوری اسلامی
با حرکتی گاه آهسته و گاه سریع، در حال
تغییر ماهیت است. ناراضی از نظام از
تخصی اول آن که خمینی با شروع می-
سود و به ما شین ترین لایه های اجتماع
می رسد. جز در میان تبلیغاتی یا در
اعترافات که مخالفان پیشین گرفته
شده، کمتر گامی در ستایش رژیم ننشیده
می شود. خمینی نتوانست آن حکومت
اسلامی ای را که وعده می داد به رخسان
آورد. جان نستان او از این حیث نخست
مسا عدتری نخواهند داشت.

تصحیح و یوزش

در شماره گذشته، در نامه وارده ای که
زیر عنوان " نشان درویشی" درج گسوده
بودیم، متاء سقا نه کلمه " مشوب" اشتباه
بصورت " مشوب" چاپ شده بود که
بدینوسیله، با یوزش از نویسنده نامه،
آقای علی نوری، تصحیح می کنیم.



بقیه از صفحه ۱

هریکه را حفظ کند و بدین ترتیب نقش ناخوشایند تولیدکننده مکمل را ایفا میکند. اما این کشور پس از این، در درجه اول، خواهان تمامی سهم خود از بازار است و حاضر نیست بیش از این نقش فرشته نگهبان را بازی کند. وزیر نفت عربستان سعودی بطور خصوصی گفته است: اگر سایر کشورهای انضباط را رعایت نکنند... قرار دادی فاقد ارزش است. اکنون دوران همکاری است و ما دیگر حاضر نیستیم مورد سوءاستفاده قرار بگیریم.

انزوای کامل ایران

سا زمان او یک آزمایش امسال از هم گسیخته تر از همیشه بیرون آمد، ایران که به هر قیمت خواستار افزایش بهای نفت بود، پس از دور روز طفره روی و تعلل، سرانجام به زور و اجبار قرار دادی امضاء کرد، حتی متحدان سنتی جمهوری اسلامی مانند لیبی و الجزایر این بار رژیم تهران را رها کردند و در سکوت و بدون شرکت در محادثات و کنفرانس های مطبوعاتی، پشت سر عربستان سعودی قرار گرفتند. ایران تحت فشار شدید کشورهای عرب خلیج فارس که میخواستند عراق را نیز به قرار داد دبی بپیوندند و شکستی سیاسی نصیب ایران سازند چاره ای نداشت جز تسلیم یا خودداری از امضاء قرار دادی که در حکم عقب نشینی بود.

هیئت ایران با تلخکامی و اندیشه انتقام کنفرانس را ترک گفت و قصد دارد هم خود را صرف محدود کردن مدت قرارداد کند تا اوپک هر چه زودتر با ردیکر تشکیل جلسه دهد. یکی از اعضاء هیئت جمهوری اسلامی اظهار داشت: این تازه "ژوند" اول بود. اوپک به احتمال زیاد در روز آئینده یا فوراً آئینده اجلاس دیگری خواهد داشت که در آن تعداد کشورهای نگران از کاهش بهای نفت بیشتر خواهند شد، و آنگاه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مورد سرزنش قرار خواهند گرفت.

پاره ای از کشورهای عضو اوپک که جنگ خلیج فارس ربطی به آنها ندارد مانند ونزوئلا، نیجریه، اندونزی و گابون که از دخالت سیاست در بحث های اوپک خصمگین اند نیز در تکرانی ایران سهمیه اند. آنها برای این گمانند که هدف واقعی کشورهای عرب خلیج فارس کاهش بهای نفت به منظور زیبای در آوردن ایران است.

در این حال بیشتر ناظران در انتظار تشکیل جلسات متعدد و مورد به موردی هستند که تا قبل از سال ۱۹۸۶ رواج داشت، به گفته یک کارشناس فرانسوی: اعضای اوپک دورا در پیش داشتند، شکست یا از هم پاشیدگی، آنها شکست را انتخاب کردند. خلاصه شده از لوموند ۱۶ دسامبر ۱۹۸۷

بقیه از صفحه ۱

بهمین دلیل قیمت اراضی این روستا ترقی کرده بود و در حدود متری هزار تومان معامله میشد. آیت الله العظمی نجفی مرعشی در میان اسناد متعلق به... کتابخانه شخصی خود سندی یافتند که اثبات میکند روستای "خاوه" جزو موقوفات است و عواید آن مطابق نیت واقفان باید بسم صرفاً آموزشی، از جمله برگزاری مجالس روضه خوانی برسد. بنابر این، فتوی برای ابطال اسناد موجود داده اند و مطابق فتوای آیتان اراضی روستای خوش آب و هوای خاوه به وقفیت خود بازمیگردد.

بگمان ما این خبر را دستگام تبلیغاتی رژیم یا قصد خاصی، بمنظور متذلل ساختن آیت الله العظمی آقای نجفی مرعشی انتشار داده است. در جریان انقلاب و در بدو تاسیس حکومت فعلی، ما چند آیت الله العظمی داشتیم که شب و روز اسم آنها بگوش میرسد و به هر مناسبت اعلامیه ما در می کردند و اعلامیه های آنها دست به دست می گشت. آیت الله العظمی شریعتمداری را داشتیم که سرانجام او را با آن رسوایی خلق مقام کردند و برای تراشیدن اعتراف نامهلوی دوربین تلو بیونی نشان دادند و در جبهه رادیواری خانه خود، تحت محاصره اش قرار دادند و راه رفتن او را مدیریت و بستند تا سرانجام بر اثر خونریزی کلیه و ممانعت از دوا و درمان درگذشت.

آیات عظام حاج آقا حسن طباطبائی قمی و سید صادق روحانی را داشتیم که در حال حاضر بیعت مخالفان با اعمال و رفتار حکومتگران در خانه های خود محبوسند. از طرف آیت الله العظمی طباطبائی اخیراً "اعلامیه مشروعی انتشار یافت که با قاطعیت و صراحت، سیاست های جاری رژیم بویژه دامنه جنگ ایران و عراق را محکوم کرده است و بهمین دلیل نیز بیش از پیش تحت فشار واقع شد و پسرش و عروسش را گرفته اند و مطابق معمول، معلوم نیست به کجا برده اند و چه بسالی بر سرشان آورده اند.

از آن همه آیت الله العظمی میمانند آیت الله العظمی گلپایگانی و آیت الله العظمی نجفی مرعشی. مردم گامی از خودشان می پرسند این دو مرجع مشهور تقلید چه شدند و کجا رفتند و اگر در قید حیاتند چه میکنند و چه میکنند. از حضرت آیت الله العظمی آقاسی گلپایگانی تا این او خراگ ها که هیجری و اثری تراوش میکرد. بدین معنی که مسئولان امور هر چند یکبار، بیمناسبتی اشخاصی را به محضر شریف ایشان میبردند و ترتیبی میدادند که آنها مسائل خاصی را در میان بگذارند و حضرت آیت الله در موضوعات مشخصی به حرف بکشند. آیت الله گلپایگانی با آن سادگی مخصوص خودش مطالبی میفرمود و دستگام

نشانه آیت الله

چندی است که با او و خواهرند گفت که میروند میتویسد و آبرو برای ایران اسلامی باقی نمیگذارد. اینست که به او گفته ام منظر به اینجاست و بدو خودم مقدار زیادی وقت صرف میکنم تا مطالبی را که لازم دارد بطور متقن و مستند در اختیارش بگذارم.

همین آدم روشن بین، روز دیگری مشنوی مولوی در پیش روی خود داشت و با من در باره یکی از ابیات مولانا بحث میکرد. درین اثناء طلبه ای وارد شد. آیت الله بصرعت مشنوی را بست و زیر کتابها پنهان کرد چون میترسید آن طلبه عقیده اش را در باره مولانا سوال کند و در محظور باشد یا آن بدتر، برای دیگران خیر برسد که آیت الله العظمی را

در حال خواندن مشنوی دیده است! مردمی که مدت ها از حضرت آیت الله العظمی نجفی، مرعشی خبری نداشته اند ناگهان روزی با او دیدار میکنند و مطلع میشوند که بحمد الله حضرت آیت الله از نعمت حیات و سلامت برخوردار است و خوشبختانه اجازه صدور فتوا از ایشان سلب نشده است و شئون و احتراماتش تا آن حد رعایت میشود که فتوای او را به تفصیل و با ذکر تمام القاب و عناوین دروسا بیل ارتباط جمعی منتشر کرده اند. حال به کسی چه

مربوط اگر حضرت آیت الله از زمین همزه این ابتلائات، درین هنگامه جنگ و کشتار و بیدادگری و بیرا نگری، توجهشان انحصاراً معطوف به بیلاباق خوش آب و هوای "خاوه" و درخت های سیب و گیلاس آنجا است! مسردم این زمانه، بخصوص جوانانسی که چند کلاسی هم درس خوانده باشند، فضولند. نمیتوان به آنها گفت چشمتان را ببندید و هم نظور چشم بسته ببندید که لابد از نظر آیت الله العظمی سرنسوست باغات سیب و گیلاس "خاوه" از سرنسوست ایران مهم تر است.

والا همان طور که در باره زمین های "خاوه" مدارک جمع آورده و فتوا داده اند... میخواستند دو کلمه هم در باره او وضع عمومی ایران اظهار نظر بفرمایند!

تبلیغاتی رژیم همین حرفها را با آب و تاب، بعنوان رهنمودهای ایشان منتشر می ساخت. یک نمونه اش این بود که حضرت آیت الله فرموده بود تعطیل مکتب خانه های قدیم و ایجاد مدارس جدید باعث تمام مفاسد بوده است و برای آن که جاهل سلامت خود را با زیاده پدیدار کند جدید را ببندند و همان مکتب خانه ها را از نو دگر کنند. پیداست که نسل تحصیل کرده امروزی وقتی این حرفها را بعنوان رهنمودهای آیت الله العظمی گلپایگانی میخواند و می شنید چه تصویری از آیت الله در



ذهنش نقش می بست. آیت الله العظمی حاج سید شهاب الدین نجفی مرعشی زیرک ترازان بودند که از این قسم برنامها بتوان برایش ترتیب داد. شخص موثقی نقل میکرده که روزی به دیدار آیت الله نجفی رفته بودم. در کتابخانه منزلش با یک فرنگی مشغول مذاکره بود و او را به مناسبت و ما غنای دربار موسیقی ایرانی را هنمایی می کرد. وقتی که آن شخص خدا حافظی کرد و رفت آیت الله گفت این شخص میخواهد کتابی درباره موسیقی عرب و ایران در دوره اسلامی تالیف کند. من دیدم اگر بیه جنگ این آخوندهای نادان بفرستند

اعلامیه

نهضت مقاومت ملی ایران

نهضت مقاومت ملی ایران، در ارتباط با اخراج ۱۷ تن ایرانی و ترک هواداران سا زمانه مجاهدین خلق - از فرانسه، روز سه شنبه ۸ دسامبر اعلامیه ای منتشر کرد که ضمن آن گفته شده است: نهضت مقاومت ملی ایران فارغ از اختلاف عمیق که در زمینه عقاید سیاسی و روش مبارزه با مجاهدین خلق دارد، اخراج هر طریقی، بخصوص بنا به مناسبت سیاسی، از فرانسه، کسوف قانون و محدودیت حقوق بشر، مخالف اصول و مقررات اساسی است. از سوی جامعه بین المللی می دانند، دولت فرانسه روز دوشنبه هفتم دسامبر،

چهارده تن از اعضاء و هواداران سا زمانه مجاهدین خلق را به اتفاق سه تنه ترکیه، در منطقه پاریس بازداشت کرده، روز سه شنبه هفتم دسامبر، آن را به مقدمه گاسون اخراج کرد. اخراج این هفده تن که عده ای از آنها بنا شده، سیاسی بوده و در زمینه گفته وزیر کسوف را سه، فعالیت های سازمان، به نظم و امنیت فرانسه، لطمه وارد می آورد، اعتراض تعدادی از شخصیت ها و سا زمانه های فرانسیسی و غیر فرانسیسی و کمیسیون عالی بنا همدگان سا زمانه ملل متحد را برانگیخته است. مجاهدان اخراج شده به گابون و خانواده های آنان در پاریس به اعتماد غذایی نا محدود دست رده و خواهان لغو احکام اخراج هفده تن مزبور شده اند.

نشانی: QYAM IRAN C/O C.B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد